

ملاحظات پیرامون ابعاد سالمندی با نگاهی به تجربه ژاپن

* سیدمحمد سیدمیرزایی

دانشگاه شهید بهشتی

چکیده

سالمندی فرایندی طبیعی در زندگی انسان و حاصل فرسایش تدریجی ارگان‌های حیاتی است. عوامل فردی مانند جنس، سن و نژاد، ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی در زمان و میزان آن مؤثرند. هزینه‌های آن در ابعاد مختلف بر جامعه انکارناپذیر است. شیوه‌های زندگی فردی، روابط اجتماعی، توانمندی‌های اقتصادی و فرهنگی تفاوت‌هایی را ایجاد می‌کند. در حالی که کشورهای پیشرفته صنعتی، به منابع مالی، جهت تأمین نیازهای سالمندان دسترسی دارند، با این حال از این پدیده در جایگاه یک پدیده به عنوان یک «بن‌بست» «بار اقتصادی بی‌سابقه» و «مسئله‌ای فراگیر» که مستلزم رویکردی جدی است، یاد کرده‌اند. تجربه پارامی از کشورها نشان می‌دهد، که با به کارگیری روش‌ها و راهبردهای علمی، ایجاد فرصت برای ادامه فعالیت اقتصادی - اجتماعی سالمندان، مانعی چندانی جدی برای ایفای نقش جوانان ایجاد نمی‌کند، در حالی که احساس فایده‌مند بودن سالمندان را به‌طور نسبی قوت می‌بخشد. در کشورهای در حال توسعه، متناسب با شرایط هر کشوری، می‌توان چنین شرایطی را به‌وجود آورد، اما هنوز فاصله زیادی تا رسیدن به فرصت‌های مطلوب، در اغلب این کشورها وجود دارد.

کلیدواژه‌ها: سالمندی، کره سالمندان، رشد صفر، افق خاکستری، محمضه، ارشدیت، تکفل اقتصادی، ارمغان جمعیت‌شناختی، دهه بر باد رفته.

Some Observations on the Dimensions of Aging With a Look at Japan's Experience

Mohammad Seyed Mirzaie, Ph.D.

Professor, Department of Sociology

Faculty of Letters and Human Sciences, Shahid Beheshti University

Abstract

Aging is a natural process in human life, and is the result of the gradual decline of vital organs of the body. Social, cultural, economic, and individual factors (like sex, race, and age) affect the time and degree of aging. It imposes many costs on the society in various ways. This variety is caused by individual life styles, social relationships, and cultural and financial capabilities. Although the developed industrial countries have ample access to financial resources to handle the needs of the old people in their countries, they have indicated the phenomenon of "old age" as "dead-end", "unprecedented economic burden", and "a predominant problem" which requires serious measures. Experience in some countries shows that applying scientific methods and approaches in order to give the old people an opportunity to continue their economic-social activities in no way will cause serious obstacles for the young people to play their role, whereas it somehow strengthens the sense of usefulness in the aged ones. In developing countries, it is possible to provide such conditions for the elderly people, though there is a long way to achieve suitable opportunities in most of these countries.

Keywords: aging, the old people's planet, zero growth, grey horizon, trouble, eldership, financial custody, anthropological present, the lost decade.

* دکترای جمعیت‌شناسی از دانشگاه استراسبورگ فرانسه، استاد گروه جامعه‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.

مقدمه

یکی از مسایل عمده جمعیتی، اجتماعی، اقتصادی که امروزه در جهان صنعتی شکل گرفته و به تدریج در جهان سوم نیز در حال تکوین است، پدیده سالمندی است که نزدیک است به یک مسأله جهانی تبدیل شود. گرچه در حال حاضر به آن، به گونه خاصی نگریسته می‌شود، اما بحاست به گفته‌ای از فرانک نوتشتاین¹ اشاره شود. وی در سال 1954 گفت: اگر با دید جامع‌نگر نگاه شود، باید گفت سالمندی اساساً یک «مسأله» نیست، بلکه آنچه امروز هم مشهود است، نشان دهنده یک نگرش بدبینانه نسبت به یک دست‌آورد مهم و پیروزی چشمگیر تمدن است.

تلاش این مقاله در این است که بحث کوتاهی در بعد نظری پدیده «سالمندی» به عمل آید تا مقدمه‌ای برای پرداختن به موضوع در ایران در حال حاضر و روند احتمالی آن در آینده باشد. بنابراین سؤال نخستین آن این است که «سالمندی» و ابعاد مختلف آن چیست؟

در جست و جوی چارچوبی مفهومی، سالمندی در حیات انسانی را می‌توان فرایندی دانست که با فرسایش تدریجی سازوکارهای فیزیولوژیکی و ناتوانی در احیای توانمندی ارگان‌های حیاتی آغاز و با پایان زندگی خاتمه می‌یابد. مطالعه روی سالمندی که به آن پیری‌شناسی² گفته می‌شود، نیازمند استفاده از منابع مختلف است. سابقه تاریخی این نوع مطالعات به سال 1930 مربوط است. از این سال به بعد، افزایش جمعیت سالمندان موجب بروز مسایل مربوط به این بخش از جمعیت‌ها و لزوم انجام تحقیقات در این زمینه گردید. در پاره‌ای از کشورها نیز مانند فرانسه، انگلستان و امریکا، به دلیل بار منفی واژه «سالمند» یا «سالخورده» واژه‌های ملایم‌تری مانند «سن سوم» یا «شهروندان ارشد» مورد استفاده قرار گرفت (علیخانی 1381: 13). در هرحال، مطالعات در «سالمندی» موضوع رشته‌های مختلف قرار گرفت: زیست‌شناسان در مطالعات خود، تأثیر عامل سن روی آسیب‌پذیری در مقابل امراض را مورد بررسی قرار می‌دهند. محققان در حوزه‌های پزشکی به دنبال یافتن راه‌های پیشگیری از ابتلا به امراض در سنین سالمندی‌اند. روانشناسان سعی می‌کنند سازگاری میان رفتار و سن فرد را مطالعه کنند. اقتصاددانان نیازهای مالی سنین سالمندی را موضوع مطالعه خود قرار می‌دهند و سرانجام، جامعه‌شناسان نیز تأثیر سن روی نقش‌های اجتماعی را بررسی

1- F. Notestein

2- Gerontology

و مطالعه می‌کنند. بنابراین می‌توان به چهار وجه از مطالعات روی سالمندی اشاره کرد که به یکدیگر مرتبطاند. این چهار وجه عبارتند از: مطالعات مربوط به ویژگی‌های جسمانی، روانشناختی، روانشناسی اجتماعی و اجتماعی.

این ارتباط قوی و ناگسستنی است و تفکیک و تجزیه آن‌ها از یکدیگر خالی از اشکال نیست. اما در این مقاله، تقسیم‌بندی مطالعه روی آن، شامل ابعاد فردی، اجتماعی، اقتصادی، همچنین نگاهی به چشم‌انداز و توزیع جغرافیایی؛ و اجمالاً تجربه ژاپن خواهد بود.

بعد فردی

در بعد فردی، سالمندی دارای وجه بارز بیولوژیک است، که با عوارض گوناگون مانند تغییر در چهره و اندام، رنگ مو و سایر ارگان‌های فیزیولوژیک و حیاتی همراه است. در بیان ساده آن، می‌توان گفت در فرایند سالمندی، افزایش و انباشت فرسایش‌ساز و کارهای جسمی و روانی انسان، سرانجام آسیب‌پذیری در مقابل انواع امراض مختلف را به دنبال دارد.

این تغییرات علاوه بر وجه طبیعی آن، متأثر از کنش‌ها و واکنش‌های اجتماعی گسترده‌ای است که هر فردی در ارتباط خود با دیگران قرار می‌گیرد. تفاوت‌های فردی و اجتماعی مانند سن، جنس، نژاد، فرهنگ و الگوهای زندگی، عواملی هستند که در آغاز سالمندی تأثیر گذارند بنابراین، سالمندی، ابعاد فیزیکی، روحی و روانی و روانشناسی اجتماعی را داراست که میزان سالخوردگی را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

در هر حال، سالمندی را باید فرایندی زمانی دانست که افرادی که به سن 65 سالگی و بالاتر از آن برسند، در معرض آن قرار می‌گیرند. گاهی در ملاک سنی، تفاوت‌هایی دیده می‌شود. مثلاً سازمان جهانی بهداشت، پایان 60 سالگی و آغاز 61 سالگی را شروع «سالمندی» می‌شناسد. اما به نظر می‌رسد براساس گروه‌بندی سه‌گانه آغاز 65 سالگی برای تشخیص سالمندی مناسب‌تر باشد. اما اگر به عوامل مؤثر بر وجوه فیزیکی و روانی «سالمندی» توجه شود، ملاحظه خواهد شد که عوامل محیطی بیشترین تأثیر را در بروز آثار «سالمندی» دارد. در جامعه‌ای در پناه سالگی آثار فرتوتی که دال بر «سالمندی» به مفهوم فیزیکی است، به روشنی دیده می‌شود، در حالی که در جامعه دیگر، سرآغاز شکوفایی و بهره‌گیری از تجربیات اجتماعی است. بنابراین، گرچه سالمندی در ابعاد فردی

و اجتماعی بررسی می‌شود؛ اما نمی‌توان این دو را کاملاً از هم تفکیک کرد. پس می‌توان گفت موقعیت یا پایگاه اقتصادی - اجتماعی در رشد جسمی و روانی و ایجاد آرامش و زمینه‌های بروز خلاقیت و توانمندی‌ها در سنین مختلف به ویژه در دوران سالمندی انکارناپذیر است. از این رو است که پایگاه اجتماعی - اقتصادی خانواده نیز در سلامت جسمانی، آسیب‌پذیری و میزان برخورداری از حمایت دیگران و خصوصیات کیفی سالمندی عاملی تعیین کننده است و اثر آن بیش از سایر موارد محسوس و قابل ملاحظه است.

به این ترتیب، آسیب‌پذیر شدن زود هنگام یا دیرهنگام سیستم عصبی و ارگان‌های حیاتی، ارتقا یا کاهش سطح سلامت جسمی و روانی سالمندی زودرس یا دیررس تحت تأثیر عوامل محیطی است (ترسا 2004: 6). اما این نکته نیز حائز اهمیت است که سالمندی، پدیده‌ای با ابعاد و جنبه‌های مثبت و منفی است. افزایش سن معمولاً با افزایش تجربیات، تعقل و مهارت‌های نسبی همراه است و حفظ و بهره‌برداری از سنت‌ها نیز توسط سالمندان امکان‌پذیر است. از این رو دوران سالمندی دارای جذابیت و آرامش خاص خود است. اگر این دوران سنی از سلامت جسمانی نسبی برخوردار باشد، امتیازاتی را خواهد داشت؛ دورانی است که برشمردن خاطرات، تجربیات و تلاش در انتقال آن‌ها به دیگران، لذت روحی بی‌بدیل به سالمند می‌دهد (شریفی 1381: 57).

نویسنده و محقق در مقدمه‌ای که بر ترجمه کتاب روانشناسی بزرگسالان نوشته، خاطره شیرینی را از محل زادگاه خود نقل کرده است، که در عین عامیانه بودن آن، حاوی نکاتی علمی نیز هست. خاطره او به دعای پیرزنان «گرگر» مربوط است. این محل نام زیستگاهی در یکصد و بیست کیلومتری شمال شهر تبریز است. گرگر در اوستا هفتاد و سومین نام خدا و به معنی «سازنده سازندگان» بوده است. محقق می‌گوید در این زیستگاه هنگامی که پیرزنی از دست کودکی جرعه آبی را می‌گیرد، پس از آشامیدن آن دعای همیشگی و عمومی را بر زبان می‌آورد. دعا این است «الهی پیر شوی» به زعم این محقق «پیر» شدن مترادف با طول عمر است. در حالی که او با استفاده از تجربیات خود، پیری را الزاماً همراه تمامی ناخوشی نمی‌داند، بلکه برای دوران پیری امتیازاتی نیز قایل است. او می‌گوید با به کار بستن پاره‌ای اقدامات بهداشتی و درمانی و پیشگیرانه، روند ضعف‌های سالمندی را می‌توان به تأخیر انداخت و این دوران را با شادابی نسبی گذراند. او معتقد است خطر بیماری‌های حادّ به موازات

افزایش سن در مقایسه با جوانان کاهش می‌یابد و به این ترتیب می‌توان امیدوار بود با پیشرفت علم و با برخورداری از دستاوردهای آن، وضع زندگی سالمندان بهتر از امروز خواهد شد (گنجی: 10).

پس سالمند هنگامی به چنین موقعیتی دست خواهد یافت که علی‌رغم کاهش ظرفیت‌های جسمانی و روانی، از ره‌آورد سیاست‌های مثبت کلان و نوع تلقی جامعه نسبت به دوران سالخوردگی، بهره‌مند باشد.

بعد اجتماعی

قبل از پرداختن به بعد اجتماعی، باید یادآور شد که تفکیک کامل دو بعد فردی و اجتماعی از یکدیگر کار بسیار مشکلی است؛ زیرا فرد هیچ‌گاه، جدای از روابط اجتماعی قابل درک نخواهد بود. در بعد اجتماعی سالمندی، می‌توان به «جمعیت سالمند» اشاره داشت. جمعیت سالمند شامل همه افرادی است که پاره‌ای خصوصیات و ویژگی‌های مشترک دارند، مانند افراد 65 سال به بالا.

از این جهت، سالمندی جمعیت، از طرفی ناشی از کاهش نرخ متغیرهای حیاتی، باروری مرگ و میر در سنین سالخوردگی و افزایش نسبت‌های بازماندگی در فواصل سنی است. از طرف دیگر، جابه‌جایی‌های مکانی یا مهاجرت‌ها و استمرار ماندگاری آنان در جمعیت میزبان، هر دو قطب فرستنده و گیرنده را از لحاظ ساختار سنی، تحت‌تأثیر قرار می‌دهد (تومرل 2000). مجموعه این تغییرات پی‌آمدهایی را در اشکال مختلف مانند تفاوت‌های جنسیتی - به ویژه در سنین بالاتر سالمندی - اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، ساختار خانواده و روابط اجتماعی، بیماری‌های خاص این دوران و حتی در حوزه زیست محیطی، به دنبال دارد.

گفتنی است آثار کمی و کیفی سالمندی در محیط اجتماعی، در حال حاضر اهمیتی رو به افزایش یافته است. از این رو برخی از محققان، با توجه به آنچه که در هزاره سوم اتفاق خواهد افتاد، کره خاکی را «کره سالمندان» توصیف کرده‌اند.³ این رویکرد، سابقه تاریخی و دیرینه دارد. برای مثال «ژان باتیست سی»⁴ اقتصاددان قرن

3 - The planet of olds

4 - J. Baptiste - say

هجدهم، با پیروی از خط مشی مالتوسی و با نگاهی اقتصادی، می‌گفت: پیش از آن که فرزند به دنیا آورید، پس‌انداز کنید. این سخن نشانگر اهمیت اقتصادی - اجتماعی مسایل نهفته‌ای بوده‌است که در آینده احتمال وقوع آن می‌رفت. نظیر آن را می‌توان نزد «پترسون»⁵ وزیر بازرگانی ایالات متحده در زمان ریاست جمهوری ریچارد نیکسون یادآور شد، که او نیز دغدغه «رشد صفر»⁶ را داشت.

«پترسون» نیز با احساس نگرانی از شرایط ناشی از کهولت جمعیت، به ویژه در بعد اقتصادی، گفت: «وقت آن است که هرچه سریعتر به فکر پس‌انداز باشیم» (مک کلار 2003: 73) به این ترتیب، مسأله بیش از پیش در محافل علمی نیز مورد توجه خاص قرار گرفت. «مک کلار» از دانشگاه وین، بیان «پترسون» را به «افق خاکستری»⁷ تعبیر، با نگرانی از کهولت جمعیت و پیامدهای آن گفت: اگر سالخوردگی جمعیت برای اغلب مردم به عنوان یک «مسأله» مطرح است، اما برای وی به صورت یک «مخمصه»⁸ درآمده است. «آلفرد سووی»⁹ جمعیت‌شناس معروف فرانسوی نیز، در آستانه دهه 1930، پدیده سالمندی جمعیت را به منزله یک «مشکل عمومی»، مستلزم رویکردی جدی و به صورت یک امر جهانی با تفاوت‌های جغرافیایی آن مورد توجه قرار داد (لورو 2002: 547).

تفاوت‌های جغرافیایی در سالمندی: همچنان که اشاره شد، اگر سالمندی یک پدیده جهانی است، اما اختلافات جغرافیایی که تا حدی بیانگر تفاوت‌های اجتماعی و اقتصادی نیز هست، با پدیده سالمندی مرتبط است. شیوه‌ها و الگوهای زندگی، میزان برخورداری از تحولات و پیشرفت‌های اجتماعی و اقتصادی، که آثار آن در رفتارهای فردی نیز انعکاس می‌یابد، در فرایند سالمندی تأثیرگذارند؛ و بدون تردید نیازمند مطالعات تجربی گسترده‌ای است. تغییری که در رفتارهای فردی ایجاد می‌شود. جایگزین شدن گزینه با تفکر عقلانی در هر عملی از جمله فرزندآوری است.

بنابراین در تحولات اجتماعی که دارای طبیعت خاص خود است، فرد با حفظ حق انتخاب برای خود و به دور از تأثیر و نفوذ نظارت‌های اجتماعی، نسبت به رفتار خود از جمله زمان

5 - P. Peterson

6 - ZPG

7 - Gray Dawn

8 - Predicament

9 - A. Sauvy

تشکیل خانواده، فرزندآوری، تعداد و فواصل تولدها، تصمیم می‌گیرد. این به معنای استیفای حقوق فردی است که نشان دهنده بلوغ اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی است. از این‌رو، با توجه به سابقه و زمان آغاز فرایند تحولات اجتماعی و اقتصادی، باید گفت در کشورهای صنعتی، زمینه بروز پدیده از مدت‌ها پیش به وجود آمده است؛ زیرا تمایل به کاهش باروری و فرزندآوری، که می‌توان گفت عمده‌ترین عامل حیاتی در شکل‌گیری سالمندی است دارای سابقه نسبتاً طولانی‌تر است. ادامه این روند حتی در پایان قرن بیستم و آغاز قرن بیست و یکم، به نوعی عدم تعادل نیز در قالب رشد منفی در برخی کشورها کشیده شده است. برای مثال، در بین سال‌های 1970 - 1975م، تعداد کشورهایی که نرخ باروری کلی را به زیر حد جایگزینی رسانده بودند، به نوزده می‌رسید، در حالی که این تعداد در فاصله سال‌های 2000 تا 2005 به شصت و پنج مورد پیش‌بینی شده بود (ناهیرو اوگاوا 2005: 369). این تغییر را می‌توان یکی از مهمترین ملاک‌های تفکیک بین این دسته از کشورها و سایر کشورها دانست.

اما در میان کشورهای جنوب و در حال توسعه نیز چنین اتفاقی رخ داده است و طی سه دهه، تعداد کشورهای دارای نرخ باروری زیر حد جایگزینی از صفر تا به نوزده رسیده است (همان).

در پدیده حیاتی مرگ و میر نیز تحوّل صورت گرفته است. دستاوردهای پزشکی و درمانی و برخورداری نسبی اقشار مختلف اجتماعی از آن‌ها موجب کاهش سریع مرگ و میر اطفال و مهار آن در سایر سنین از جمله در سالمندی نیز که وجه دیگری از توسعه اقتصادی - اجتماعی است، فرایند سالمندی را تحت‌تأثیر قرار داده و امید به زندگی را در مواردی، از رقم 70 فراتر برده است (W.P.D.S 1980).

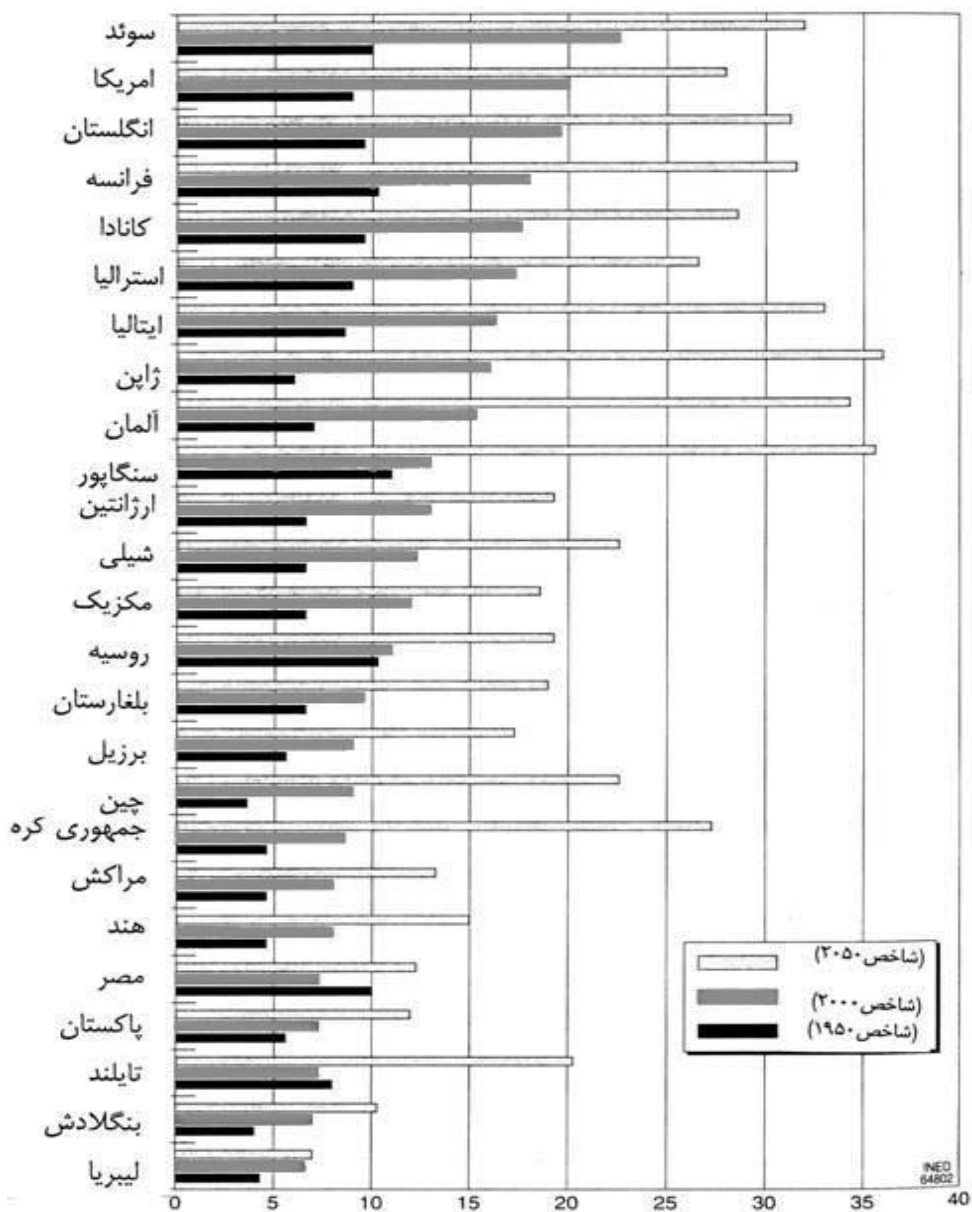
بنابراین، بستر تاریخی سالمندی را باید در اوایل قرن بیستم و در کشورهای صنعتی جست و جو کرد؛ یعنی اگر در آن مقطع تاریخی، نسبت جمعیت 65 سال به بالا در اروپا نزدیک به 5% بود. این رقم در دهه 1960 به 10% و در دهه 1990 به 15%، در حال حاضر 20% و بر حسب پیش‌بینی سازمان هر ملل متحد، در نیمه اول قرن بیست و یکم به 30% نیز نزدیک خواهد شد.

در کشورهای جنوب نیز، با مشاهده علایمی، می‌توان تحولات مشابهی را انتظار داشت. گرچه نسبت جمعیت 65 سال به بالا در این دسته از کشورها، عموماً کمتر از 5% است،

اما حجم بالای جمعیت 65 سال به بالا، نشان دهنده این واقعیت است که در صورت ادامه روند تحولات اجتماعی - اقتصادی و استمرار برنامه‌های تنظیم خانواده و کاهش باروری، که نتیجه آن می‌تواند باشد، زمینه‌های شکل‌گیری پدیده سالمندی، با حجمی قابل توجه را محتمل می‌کند. می‌توان پیش‌بینی کرد که کشورهای جنوب از لحاظ مدت زمان سپری شده و روند سالمندی، از کشورهای شمال پیشی خواهند گرفت (لورو 2002: 561).

نکته‌ای که در ساختار سنی جمعیت سالمند، حائز اهمیت است، نسبت جمعیت بسیار سالمند 80 سال به بالا به کل جمعیت سالمند 65 سال به بالا است. این نسبت را می‌توان «نسبت ارشدیت» نام نهاد.

چنین به نظر می‌رسد که این نسبت در سال 2050 تقریباً در همه کشورها عمومیت خواهد داشت و کشورهایمانند چین، بلغارستان، روسیه، مکزیک، شیلی، سنگاپور، آلمان، ژاپن، ایتالیا، استرالیا، کانادا، فرانسه، انگلیس، آمریکا، سوئد از شاخص‌ترین آن‌ها خواهد بود و از میان آن‌ها، کشورهای ژاپن، سنگاپور، آلمان و ایتالیا به ترتیب رتبه‌های اول تا چهارم را در سال 2050 کسب خواهند کرد (سازمان ملل 2001)؛ و به نظر می‌رسد این بخش از جمعیت، که از جنگ جهانی دوم به این طرف سریع‌ترین نرخ رشد را دیده است، در دهه‌های آینده همچنان استمرار خواهد یافت. (ماری 2003: 704) و به تدریج دامنه سنی سالخوردگی را به آستانه یکصد سالگی گسترش خواهد داد. گرچه در کشورهای جنوب نمی‌توان چنین پدیده جمعیتی را در آینده نزدیک انتظار داشت ولی به کلی منتفی نیز نباید دانست و به نظر می‌رسد، شاید یکی از دلایل اهتمام عمومی در سطح جهانی و طرح موضوع مبارزه با فقر در سال 2005 در مجمع عمومی سازمان ملل متحد، قطع نظر از احتمال تحقق نتیجه، احساس نگرانی از رشد این پدیده باشد. چه، در چنین شرایطی ضریب بستگی اقتصادی که حاصل نسبت جمعیت غیرشاغل به شاغل است، افزایش قابل ملاحظه‌ای را نشان خواهد داد، به گونه‌ای که از 17% در سال 1950 به بیش از 41% در سال 2050 - بیش از دو برابر - ارتقا خواهد یافت و سهم کشورهای بسیار فقیر در گروه جنوب از 12/5% به 18/2% رشد خواهد کرد (همان: 562).



نمودار 1 - شاخص ارشدیت P_{80+}/P_{65+}
 در چند کشور منتخب در سالهای 1950، 2000، 2050

در نمودار 1 که نشانگر تحول شاخص «ارشدیت» از سال 1950 به 2000 و 2050 در کشورهای مختلف جهان است، دو کشور ژاپن و سنگاپور در صدر کشورهای مذکور قرار دارند و پس از آن دو باید از کشورهای آلمان، ایتالیا، فرانسه و سوئد نام برد. در رتبه‌های بعدی کشورهای کانادا، آمریکا، جمهوری کره و استرالیا قرار می‌گیرند. اما در کشورهای نظیر بنگلادش، پاکستان، مصر، هند و مراکش، با در نظر گرفتن شرایط اقتصادی، پدیده «سالخوردگی» جمعیت، در صورتی که جهش اقتصادی در آن‌ها صورت نگیرد، پیامدهای اجتماعی - اقتصادی قابل توجهی را به دنبال خواهد داشت. در مقایسه با سال 1950 «شاخص ارشدیت»، در طی یک قرن و حتی در فاصله پنجاه سال از مبدأ سال 2000 تا 2050، رشد جهشی را نشان می‌دهد و آغاز دوران جدیدی را که لازمه آن تحول بنیادی در ساختارهای اقتصادی - اجتماعی است نوید، می‌دهد.

با توجه به اهمیت روزافزون موضوع مورد بحث، محققان توجه خود را به جایگاه جمعیت یکصد تا یکصد و بیست سالگان معطوف کرده‌اند و تاکنون به پاره‌ای از عوامل مؤثر بر رشد پدیده مانند عوامل ژنتیکی، رژیم‌های تغذیه با کالری بالا، محیط زیست، پیش‌گیری از بیماری‌ها، برخورداری از خدمات پیشرفته پزشکی و دسترسی آسان به دارو، ترویج شیوه‌ها و الگوهای سالم زندگی، کاهش عوامل آسیب‌زا در محیط‌های شغلی و رفتارهای روانی که تأثیر عوامل محیطی را تداعی می‌کند، اشاره کرده‌اند. براساس برآورد دو تن از محققان¹⁰ در سال 1995م تعداد جمعیت یکصد ساله به بالا در اروپای غربی، معادل 8800 نفر و میزان رشد سالانه آن از سال 1950 تا 1980 معادل 7% بوده است (لورو 2002: 559).

این دو معتقدند که اگر احتمال نیل به یکصد سالگی در گذشته 1 به بیست میلیون بوده، این نسبت برای زنان در کشورهایی مانند ژاپن و سوئد که پایین‌ترین میزان مرگ و میر اطفال را دارند، در آینده 1 به 50 خواهد بود (همان). قطع نظر از امکان فراموش‌کاری سن نزد سالمندان، این احتمال را می‌توان داد که در دهه‌های آینده و تا سال 2050 تعداد جمعیت یکصد ساله، نزدیک به یکصد و پنجاه هزار نفر در مقایسه با دویست نفر در سال 1950 خواهد بود که افزایشی معادل 750 برابر را نشان می‌دهد.

پیش‌بینی این امر که کشورهای شمال، با برخورداری از ابزارهای گوناگون، به آسانی بتوانند جمعیت سالمند را مدیریت کنند، تردیدآمیز است. کشورهای جنوب نیز در مشکلاتی نظیر نارسایی منابع مالی، انتظارات سالمندان، کمبودهای آموزشی، بهداشتی و درمانی، افزایش نرخ بیکاری، از دست رفتن فرصت‌ها و تأثیر آن روی سالمندان را پیش روی خود دارند.

گرچه پیامدهای این تحولات می‌تواند نقش بازدارندگی در مقابل جریان توسعه انسانی، بازی کند، با وجود این نمی‌توان پتانسیل یا امکان نهفته تغییرات مثبت را که ناشی از رشد جمعیت فعال و کاهش بار اقتصادی در صورت بهبود اقتصادی است، به کلی نادیده گرفت. صندوق جمعیت سازمان ملل متحد، معتقد است چنین نیرویی در شرایط بهینه اقتصادی و سیاسی، روزنه امید¹¹ یا به تعبیری ارمغان جمعیت‌شناختی¹² برای چنین ساختار جمعیتی - اقتصادی می‌تواند باشد. تحولات اقتصادی پاره‌ای کشورهای آسیایی را می‌توان نمونه‌ای از آن دانست. برای مثال، ذخیره ارزی کشور کره جنوبی، علی‌رغم مشکلات داخلی آن، در سال 2005 م به رقمی معادل 210 میلیارد دلار بالغ شد.

بعد اقتصادی سالمندی

می‌توان گفت بعد اقتصادی سالمندی عمده‌ترین مسأله‌ای است که تقریباً در همه جوامع با تفاوت‌هایی که ناشی از شرایط خاص اقتصادی آن‌هاست، وجود دارد. همچنان‌که «پترسون»¹³ به آن اشاره کرده و سالمندی را یک «بار اقتصادی بی‌سابقه»¹⁴ دانسته است (مک کلار به نقل از پترسون 2003: 79).

علت آن است که فرد سالمند با خروج از چرخه فعالیت اقتصادی و تولید به یک انسان مصرف‌کننده تبدیل می‌شود، در حالی که سهمی در تولید نخواهد داشت؛ و نرخ سرباری را افزایش خواهد داد بنابراین در بررسی بعد اقتصادی سالمندی، تحولاتی را می‌توان مدنظر داشت که از نظر جامعه‌شناختی و جمعیت‌شناختی نیز حائز اهمیت است. تغییر در منزلت اقتصادی - اجتماعی سالمند را می‌توان مورد اشاره قرار داد. در این مورد «دونالد کوگیل» در

11 - Feneter de tir

12 - bonus demographique

13 - Peterson

14 - unprecedented economic burden

سال‌های 1972، 1976 و 1986 نظریه‌ای را مطرح ساخت که در آن به عوامل مختلف در کاهش موقعیت و منزلت اقتصادی و اجتماعی سالمندان امریکا اشاره شده است. وی به این نکته اشاره می‌کند که در فرایند زمانی، نسبت جمعیت سالمند، تحت تأثیر تحولات پدیده‌های حیاتی، رو به افزایش گذاشت و به موازات آن، رشد فناوری‌ها و کاربرد وسیع آن در حوزه اقتصادی موجب کاهش تقاضا برای نیروی انسانی و تشدید رقابت بین نسلی در بازار کار شد. ظهور تکنولوژی‌های نو، شکل‌گیری مشاغل جدید با مهارت‌های خاص خود به تدریج ارزش‌های اجتماعی و اقتصادی تجربیات شغلی را تحت تأثیر قرار داد و رفتارها و نگرش‌ها در رفتارهای حیاتی را نیز متأثر ساخت (همان).

در جوامع سنتی نیز اهمیت دادن به پس‌اندازها و برخی دارایی‌ها، همچنین گرایش به فرزندآوری با ارجحیت جنسی را می‌توان نگرشی دانست که هدف آن تأمین نوعی پشتوانه مالی برای سالمند در ایام پیری است. اما تحقق آن مسأله‌ای قابل بررسی است، که آیا پشتوانه بالقوه اقتصادی، در نظام‌های اقتصادی غیرپویا، به سرباری اقتصادی بالفعل تبدیل نمی‌شود؟

فقر و رفاه سالمندی

فقر و رفاه در دوران سالمندی را مهمترین مسأله در بعد اقتصادی می‌توان دانست. بنابراین در فرایند تحولات اجتماعی - اقتصادی به‌طور عام، برقراری سیستم‌های حمایتی و بیمه‌های اجتماعی قانونی و تعریف شده را از ضرورت‌های آن باید دانست. سیستم‌های حمایتی در کشورهای مختلف، در عین حال که روند تکاملی خود را تجربه می‌کند، اما شیوه‌های فردی که ابعاد فرهنگی نسبتاً قوی دارد، به کلی از بین نرفته و اثرگذاری متقابل بین شیوه‌های فردی (خرد) و روش‌های قانونی و تعریف شده اجتماعی (کلان) هنوز دیده می‌شود و دوام آن را در اقتصادهای پویا می‌توان یافت.

تردید نیست که در تبیین ابعاد اقتصادی و فقر و رفاه سالمندی، باید درآمد مالی و مصرف سالمند را مورد توجه قرار داد. اما دوگلاس و همکاران او به برخی عوامل مؤثر نیز از جمله نقش‌ها و وظایف اقتصادی اعضاء خانواده و برخورداری از منابع، اشاره می‌کنند (دوگلاس و دیگران 1994: 102).

مجموعه عواملی که فقر و رفاه اقتصادی سالمندی را تحت تأثیر قرار می‌دهد، موضوع مطالعات و تحقیقات گسترده‌ای از جمله در ایالات متحده است که ثروتمندترین کشور دنیا است و دارای سیستم‌های حمایتی پیشرفته‌ای است. سازمان‌هایی مانند «مرکز آمار»¹⁵ «اداره بودجه کنگره آمریکا»،¹⁶ «مطالعات ویژه تغییرات درآمدی میشیگان»¹⁷ «پیمایش طولی ملی»¹⁸ و سایر مراکز، عهده‌دار این دسته از مطالعاتند؛ اما «مرکز آمار» از اعتبار و اهمیت خاصی برخوردار است. این مرکز درآمد واقعی شخصی را مهمترین شاخص یا معرف رفاه اقتصادی معرفی می‌کند. برای مثال، براساس مقایسه‌ای که در سال‌های 1979 و 1984 به عمل آورده، نشان داده است میانگین درآمد خانوارهایی که سرپرست آن‌ها 65 تا 69 ساله بوده‌اند، به ترتیب 47/5 و 37/6 درصد، افزایش داشته است؛ در حالی که درآمد خانوارهایی که سرپرست آن‌ها در سال 1979 در گروه سنی 65 - 69 قرار داشته و در سال 1984م، 70 - 74 ساله بوده‌اند، به ترتیب 13/5 و 14/4 درصد، افزایش یافته است (همان: 107).

اما از طرف دیگر، «رس»¹⁹ و همکاران وی در مطالعه‌ای که در سال 1987 به عمل آوردند، نشان دادند که بین سال‌های 1950 تا 1980م نسبت درآمد به نیاز به عنوان یک شاخص سنجش رفاه، نزد خانوارهایی که سرپرست آن‌ها 65 سال به بالا داشته‌اند، کاهش داشته است. به علاوه «دونکن»²⁰ و «بورخوسر»²¹ نیز در سال‌های 1988 و 1991 به این نتیجه رسیدند که این نسبت عموماً پس از بازنشستگی و به ویژه نزد بیوه‌ها رو به کاهش بوده است. این تغییرات می‌تواند در میزان و تکفل اقتصادی مؤثر باشد، اما با توجه به سطح نیاز در گروه‌های سنی جوانتر و سالمند، مفهوم و مصادیق فقر متفاوت است و همان‌طور که تحقیقات مرکز آمار آمریکا نشان داده، فقر جوانترها در مقایسه با فقر سالمندان به‌طور محسوس از سال 1969 تا سال 1991 به‌طور کلی روند افزایشی داشته است (همان: 109).

15 - Bureau of the census

16 - congressional Budget office

17 - Michigan panel study of income dynamics

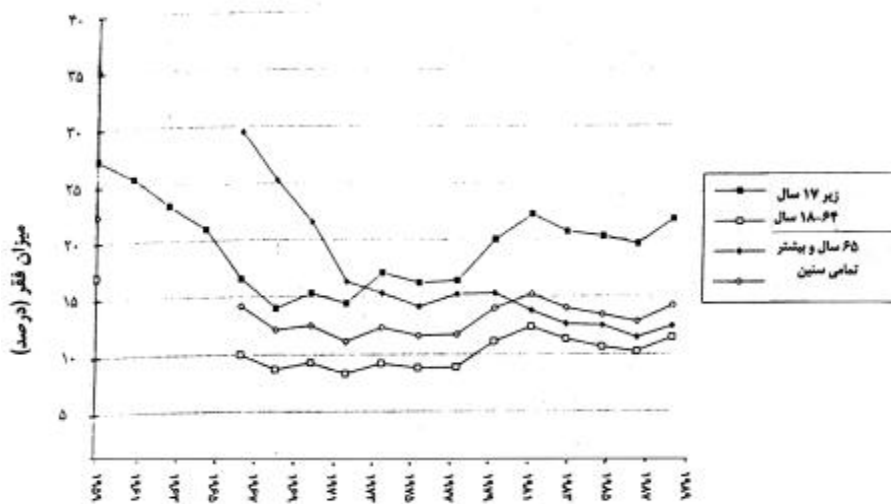
18 - National longitudinal survey

19 - Ross

20 - Duncan

21 - Burkhauser

در هر دو صورت، فزونی گرفتن بار اقتصادی سالمندی و جوانی و اثرهای روانی آن سبب می‌شوند در صورت برخورداری از توانمندی‌های فیزیکی و روانی، تمایل به ادامه فعالیت اقتصادی و استمرار جریان درآمدهای مالی تقویت شود. هنگامی پاسخ مثبت برای این تمایل می‌توان یافت که انعطاف‌پذیری در جذب و حفظ نیروی انسانی را دارا باشد، تا حضور سالمندان در بازار فعالیت اقتصادی مانع از جذب نیروهای تازه‌نفس نباشد. گفتنی است کشور ژاپن که رتبه اول را از لحاظ سالمندی جمعیت دارد، تجربیاتی را به‌دست آورده است که به آن اشاره خواهد شد.



نمودار 2 - نوسانات فقر در طول نیمه دوم قرن بیستم در ایالات متحده آمریکا
 ماخذ: Atchely: Aging P 109

نمودار 2، حاکی از نوسانات میزان فقر سالمندی و جوانی در ایالات متحده آمریکا است. آنچه در این نمودار دیده می‌شود، آن است که فقر نزد جمعیت جوانتر کمتر از 17 سال و سالمندان در حدی بالا و تا آستانه 30% در سال 1959م قرار داشته است. با کاهش قابل توجهی که تا سال‌های 9 - 1968 و 1971 صورت گرفته، به ترتیب به سطح پایین‌تر از 15% برای جوانترها و کمی بیشتر از آن نزد سالمندان رسیده است؛ اما از آن به بعد در حالی که سیر نزولی فقر برای سالمندان به آرامی تا اواخر دهه 1980 ادامه یافته، در حالی که فقر جوانترها

نیز به‌طور تدریجی و با آهنگی آرام ادامه یافته است. برای گروه سنی 18 - 64 و در مجموع سنین نوسانات به گونه‌ای متفاوت، ولی به موازات هم، از سطحی پائین‌تر از 15% برای همه سنین و 10% نزد گروه سنی فعال، تا پایان دهه 1980م ادامه داشته و پس از آن مجدداً روند افزایش آغاز شده است.

در مجموع می‌توان گفت، با تحولاتی که در ساختار سنی ناشی از تغییرات پدیده‌های حیاتی به ویژه کاهش باروری، افزایش نسبی طول عمر، و آثار نهفته مهاجرت‌ها صورت می‌گیرد، سالمندی را می‌توان نتیجه آن دانست. همان‌طور که قبلاً اشاره شده، پیامدهای مختلف آن، ضرورت بازنگری در راهبردها را در هر شرایطی اجتناب‌ناپذیر می‌سازد.

به‌طور کلی می‌توان در بعد اقتصادی سالمندی، به تقلیل نیروی فعال اقتصادی مؤد اشاره کرد که سرانجام آن، به افزایش جمعیت مصرف‌کننده منجر می‌شود. ناگفته روشن است که چنین تحولاتی، علاوه بر سوگیری ناگزیر سرمایه‌گذاری‌ها به سمت سرمایه‌گذاری جمعیتی، در صورت فقدان سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی برای بازتولید سرمایه، که بتواند خلأ ناشی از آن را جبران کند، در خوش‌بینانه‌ترین دیدگاه، تنها به حفظ وضع موجود می‌انجامد.

«لئون تابا»²² جمعیت‌شناس فرانسوی معتقد است که نامعادله‌های زیر:

$$I_t - I_d \geq 0$$

بیانگر دو وضعیت متفاوت است که اثرهای آن ممکن است در طول زمان ادامه یابد. در این نامعادله I_t کل سرمایه‌گذاری‌ها و I_d سرمایه‌گذاری‌های جمعیتی است. قطع نظر از این که سرمایه‌گذاری‌ها اساساً منوط به شرایط مناسب است، نامعادله اول حاکی از آن است که پس از تأمین نیازهای اساسی، فرصت پس‌انداز و بازتولید سرمایه فراهم خواهد بود در حالی که نیروی انسانی کار از ارکان سرمایه‌گذاری است. اما نامعادله دوم گویای آن است که تراز منفی تفاضل دو سرمایه‌گذاری، ناشی از افزایش نیازهای اساسی است که تعداد سالمندان در آن تأثیر دارد. به این ترتیب کاهش پس‌انداز و بروز سیکل بسته، نتیجه مورد انتظار می‌تواند باشد. از این رو بود که اقتصاددانان، تقویت پس‌انداز را یادآور می‌شدند (سیدمیرزایی 1381: 215).

در بعد اجتماعی، اثرهای افزایش سالمندان در روابط اجتماعی، در مقیاس خانواده و فراخانواده، جایگاه و منزلت آنان، ظهور انتظارات خاص در این دوران سنی و فاصله بین نسلی را می‌توان برشمرد. نیازهای عاطفی و روانی، فیزیولوژیک، ایمنی، عشق و تعلق خاطر، عزت و تعالی نفس، فراموش نشدن، ارج نهادن به تجربیات سالمند را، از مهمترین نیازهایی باید دانست که حتی ممکن است در صورت تأمین نیازهای اقتصادی، همچنان باقی بماند. (شعاعی 1381: 75) گرچه نیاز اقتصادی سالمندی در این دوران سنی، از مهمترین مسایل مبتلا به آنان است، اما کاهش منزلت اجتماعی سالمندان، مانع از استمرار تصوّر مثبت از خود است. می‌توان گفت با ایجاد زمینه‌های مشارکت اجتماعی، و تقویت نسبی احساس فایده‌مند بودن، که خانواده و سازمان‌های مشابه دیگر نقش عمده می‌توانند داشته باشد، موجب تعدیل در احساس منفی یاد شده، می‌گردد (علیخانی 1381: 19) محققانی مانند «لئوناردو»²³ و «لاتون»²⁴ در تحقیقات خود نیز یادآور شده‌اند که «اگر زندگی روزانه افراد که شامل سالمندان نیز می‌شود، با فعالیت‌های مفید اشغال نشود، سلامتی جسمی و روانی را آسیب‌پذیر خواهد ساخت (همان: 84).

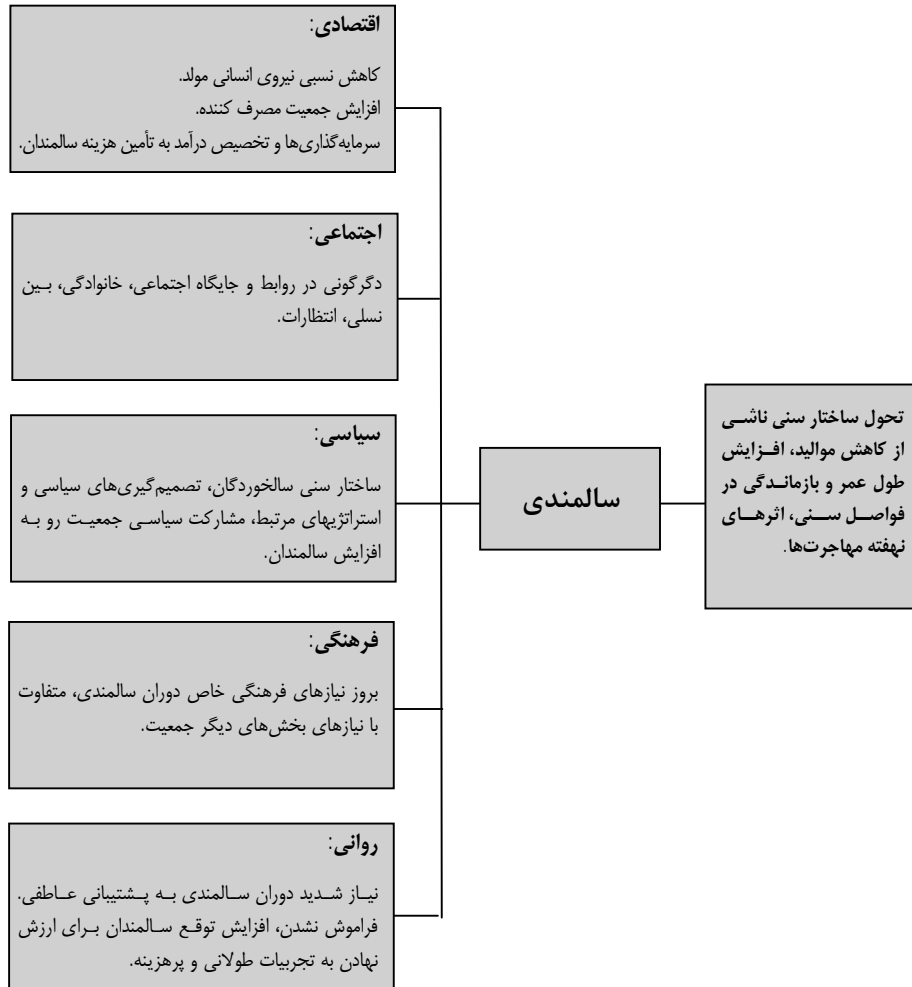
بعد سیاسی در بعد سیاسی باید به تجربه کشورهای مختلف اشاره کرد؛ زیرا ساختار سنی از عمده‌ترین متغیرهایی است که روی تصمیم‌گیری‌های سیاستمداران و قواعدبازی مرتبط با آن، مؤثر است. تأمین نیازهای جوانان در کشورهایی که اساساً دارای ساختار سنی جوان است؛ و پاسخگویی به انتظارات سالمندان در کشورهایی که تعداد آنان قابل توجه است، حداقل در تعیین خط مشی و اعلام برنامه‌های اجتماعی - اقتصادی زمامداران انعکاس می‌یابد. ناگفته روشن است که تأمین نیازهای آتی سالمندان، فرایندی را می‌طلبد که طی آن پشتوانه‌های مالی پایدار تضمین شده باشد. براساس نتایج مطالعات «کاین»²⁵، افزایش طول عمر متوسط، طول مدت سالخوردگی را بالا می‌برد و نهایتاً موجب افزایش تأثیرگذاری در حوزه سیاست و اقتصاد می‌گردد و دولت‌ها را ناگزیر به اتخاذ سیاست‌های مالی می‌کند (گنجی: 74).

مجموعه این روابط را در نمودار زیر می‌توان به‌طور خلاصه ملاحظه کرد:

23 - Leonardo

24 - Latoon

25 - Cain



تجربه ژاپن

با توجه به آنچه در مورد بعد اقتصادی سالمندی گفته شد، می‌توان برای نمونه به مورد ژاپن اشاره کرد. همان‌طور که قبلاً نیز اشاره شد، ژاپن از جمله شاخص‌ترین کشورها با جمعیتی سالمند است. سیاست‌های جمعیتی این کشور در خصوص شرایط اقتصادی آن، می‌تواند برای کشورهای در حال توسعه که در آینده تحولاتی را تجربه خواهند کرد، مفید باشد؛ زیرا توجه به سالخوردگان و حمایت از آنان به عنوان ستی اجتماعی وجه مشترکی بین آن‌ها است. این کشور از لحاظ تحولات جمعیتی و اقتصادی، تحولاتی را تجربه کرده است. طی ده

سال بین 1947 تا 1957م، ژاپن بی سابقه‌ترین کاهش نرخ T.F.R، از 4/54 کودک به 2/04 کودک برای هر زن را در حافظه تاریخی خود دارد. چنین تحوّل بزرگی سبب شد تا زمینه‌های رشد اقتصادی قابل توجه در دهه 1960 به دست آید. اما دیری نپایید که با فرارسیدن بحران انرژی در دهه 1970، فصل جدیدی در حیات اقتصادی ژاپن باز شود و باروری مجدداً سیر نزولی خود را از سر گیرد و با ورود به هزاره سوم و در آغاز آن به رقم 1/29 فرزند برسد (ناهوئیرو: 327). آثار این تحولات در ازدواج و شکل‌گیری خانواده نیز انعکاس یافت. کاهش نرخ ازدواج و تأخیر تولّد اولین و دومین فرزند از آن جمله بود.

اما از سوی دیگر، پدیده مرگ و میر نیز در حال گذراندن فرایند انتقالی بود. امید به زندگی در بدو تولّد برای مردان و زنان، به ترتیب معادل 65/3 و 70/2 سال، در دهه 1960 بود؛ در حالی که با گذشت چهل سال، در اوایل قرن بیست و یکم، رقم امید به زندگی برای مردان و زنان به ترتیب معادل 78/4 و 85/3 سال که بالاترین رقم در سطح جهانی است، ارتقا یافته است. به این ترتیب، می‌توان گفت عمر متوسط در آغاز دوران سالمندی و در 65 سالگی، برای مردان و زنان به ترتیب از 12/2 سال به 18 سال و از 14/8 سال به 23 سال افزایش یافته است (همان: 374). این تحوّل می‌تواند در سن آغازین بازنشستگی مؤثر باشد. به نظر می‌رسد بهبود برنامه‌ها و خدمات مراقبت‌های طبی و تسهیل دسترسی به آن‌ها، علی‌رغم شرایط ناشی از بحران انرژی، تأثیر مستقیم داشته است. تغییرات دو پدیده حیاتی که مورد اشاره بود، ساختار سنی جمعیت ژاپن را از خود متأثر ساخت؛ به نحوی که نسبت جمعیت 65 سال به بالا به کل، از رقم 5% در سال 1950 به 17% در آغاز قرن بیست و یکم در سال 2000 رسید.

چشم‌انداز آینده: با این گذشته تاریخی که به اختصار به آن اشاره شد، باید دید که ژاپن با ویژگی‌های اقتصادی و جمعیتی خود، چه نگاهی نسبت به آینده دارد. مؤسسه تحقیقات جمعیتی دانشگاه «نیپهون»²⁶ بررسی‌هایی را به عمل آورده و به نتایجی رسیده است. براساس پیش‌بینی این مؤسسه، جمعیت 65 سال به بالا ژاپن تا سال 2025 به 31% کل جمعیت، خواهد رسید و سالمندترین جمعیت جهان را خواهد داشت؛ در حالی که جمعیت کل این کشور، بنابر پیش‌بینی همان مؤسسه در همان سال روند کاهشی را نشان خواهد داد، یکی از عوامل اصلی نگرانی در این کشور را می‌توان ملاحظه کرد. نکته مهمتر این که نسبت جمعیت 80 سال به بالا به کل جمعیت 65 سال به بالا تا سال 2025، به رقم 59/6 درصد پیش‌بینی شده

است که در رتبه بعد از آن کشورهای سوئد با میزان معادل 51/9 درصد و ایتالیا با رقم 49/9 درصد قرار خواهند داشت. چنین تغییرات شگرفی، بی‌واسطه حجم و سطح نیاز به خدمات و مراقبت‌های پزشکی خاص سالمندان را نشان می‌دهد. به علاوه، رشد جمعیت یکصد سالگان در فاصله ربع اول قرن بیست و یکم به میزان 11% در سال، تعداد این بخش از جمعیت را از رقم 163 نفر در سال 1963م به 167000 نفر در سال 2025 خواهد رساند (همان: 377).

در زمینه اقتصادی نیز، ژاپن تحولات شگرفی را پشت‌سر دارد. با پایان گرفتن جنگ جهانی دوم، اقتصاد ژاپن متحمل آسیب‌های جدی شد. اما در پایان دهه 1950، ظرفیت تولید اقتصادی آن به تدریج رو به ترمیم نهاد و با ورود به دهه 1960، فصل تازه‌ای در اقتصاد ژاپن گشوده شد، به نحوی که تولید ناخالص داخلی به میزان سالانه معادل 11 درصد رشد نشان داد. این چرخش قابل ملاحظه مدیون برخورداری این کشور از نیروی کار با مهارت‌های بالا و استفاده از آن در چرخه تولید، اقتباس و نسخه‌برداری از تکنولوژی‌های پیشرفته کشورهای توسعه یافته صنعتی و دستیابی به بازارهای سودآور جهانی بود. با این حال، بحران انرژی در دهه 1970، چنان تأثیرگذار بود که ژاپن را وادار به بازسازی ساختار اقتصادی خود کرده بود و در حالی که آهنگ رشد، از سطح دهه 1960، هنوز فاصله داشت، معدل رشد تولید ناخالص داخلی در دهه 1980، به رقم 4/2 درصد رسید. این رقم در مقایسه با سایر کشورهای صنعتی، بالاتر بود (همان: 379). اما در نیمه دوم دهه 1990، تعدادی از بانک‌ها و مؤسسات مالی ژاپن به دلیل مشکلات جدید اقتصادی به آستانه ورشکستگی افتادند و به دنبال آن، درآمدهای مالیاتی دولت به شدت سقوط کرد و بدهی‌های سنگین دولت به مراتب از میزان تولید ناخالص داخلی کشور فراتر رفت. این تراژدی اقتصادی باعث شد که دهه 1990 در تاریخ اقتصادی معاصر ژاپن، «دهه بر باد رفته» معرفی شود.

در چنین شرایطی، بازسازی ساختاری در مدیریت اقتصادی که توسط بسیاری از بنگاه‌های تجاری صورت گرفت، امنیت شغلی کارکنان این مؤسسات را تحت‌تأثیر قرار داد؛ و بی‌ثباتی اقتصادی در باروری خانواده‌های ژاپنی نیز اثر گذاشت. علاوه بر آن سیاست، بازنشستگی اجباری در 60 سالگی وجه دیگری از این شرایط اقتصادی ویژه بود که تعدادی قابل ملاحظه از بنگاه‌های تجاری این سیاست را اجرا کردند اما آنچه امروز به منزله سیاست راهبردی در خصوص شرایط جمعیتی و اقتصادی مدنظر است، ابعاد مختلف را در بردارد. از جمله ارتقای سن بازنشستگی، در عین حال به کارگیری نیروی جوان و سرمایه‌گذاری‌های خارجی را می‌توان نام برد.

براساس تحقیقات دانشگاه «نیهون»، نیروی فعال اقتصادی یکی از گلوگاه‌های عمده در راه رشد اقتصادی پایدار، در سال‌های بعد از 2010 خواهد بود. یکی از طرق فائق آمدن بر آن، تسهیل امکان استفاده بهینه از جمعیت فعال سالمند است. ژاپن از این حیث نسبت به سایر کشورهای صنعتی پیشگام است. این کار، مستلزم انعطاف‌پذیری در مدیریت مؤسسات اقتصادی کشور است. دولت در قبال افزایش هزینه‌های تأمین اجتماعی، سقف سنی را به 65 سال رسانده و مؤسسات اقتصادی را وادار ساخته تا از طریق اعطای یارانه‌های مختلف بتوانند سن بازنشستگی اجباری را بالاتر ببرند تا ادامه فعالیت برای سالمندان تا حدی امکان‌پذیر باشد. اما بنگاه‌های اقتصادی برخوردی منفعل نسبت به چنین سیاستی از خود نشان داده‌اند. در سیستم اقتصادی ژاپن، یکی از موانع عمده در ارتقای سن بازنشستگی اجباری، سیستم پرداخت براساس ارشدیت سنی است. از این رو بسیاری از مؤسسات اقتصادی، با ایجاد تغییراتی در ساختار پرداخت حقوق، این سیستم را دگرگون ساختند و توانمندی‌های فرد را ملاک خود قرار دادند.

با وجود موانعی که هنوز بر سر راه فعالیت سالمندان وجود دارد، دولت ژاپن راه را برای ادامه فعالیت آنان که از سلامت و توانمندی فیزیکی برخوردارند، حداقل برای چند دهه آینده باز گذاشته است. براساس تحقیقات دانشگاه «نیهون» اگر مشارکت اقتصادی گروه سنی 55 - 64 سال استمرار پیدا کند، می‌تواند به رشدی معادل 11 درصد در تولید ناخالص داخلی در سال 2025 بیانجامد (همان: 399) در حالی که این سیاست، مانع از جذب نیروی انسانی جوان در فعالیت‌های اقتصادی نیست. در زمینه سرمایه‌گذاری‌های خارجی، صاحب‌نظران معتقدند که یکی از راه‌های مؤثر برای فائق آمدن به مشکلات اقتصادی ناشی از رشد جمعیت سالمند، سرمایه‌گذاری خارجی در مناطقی است که می‌توان از نیروی انسانی ارزاتر آن استفاده کرد. اما عقیده دارند رویدادهای پیش‌بینی نشده و بی‌ثباتی سیاسی در این مناطق، می‌تواند امنیت لازم برای سرمایه‌گذاری را تحت‌تأثیر قرار دهد و رقابت‌پذیری در اقتصاد ژاپن را که یکی از اساسی‌ترین عناصر تعیین‌کننده است، مورد سؤال قرار دهد.

با توجه به آنچه گذشت، می‌توان چنین گفت که در تحولات اجتماعی و اقتصادی، تکرار پیوسته فرصت‌های تاریخی معلوم و حتمی نیست. بنابراین در این فرایند، از موقعیت‌های پیش آمده بهره‌برداری لازم باید صورت گیرد. کاهش نرخ باروری تحت‌تأثیر هر عاملی که منجر به کاهش حجم مصرف‌کننده می‌شود، می‌تواند در شتاب رشد اقتصادی اثر مثبت بگذارد. گرچه رشد اقتصادی عامل مؤثری در ایجاد مطلوبیت زندگی است، اما مستلزم

دستیابی به راهبردی معین و اعمال مدیریت با موازین علمی است و شرط لازم برای آن، تحقق ثبات سیاسی و شرایط ناشی از آن است، که اثرهای آن را در حوزه اقتصادی و سرمایه‌گذاری‌ها، به ویژه خارجی می‌توان دید. همان‌گونه که اشاره شد، تحولات جمعیتی و اقتصادی ژاپن به گونه‌ای جریان یافته است که دولت می‌کوشد با سرمایه‌گذاری در زمینه بهداشت عمومی به ویژه سالمندان برای افزایش توانمندی‌ها و بازآموزی متناسب آنان، ادامه فعالیت اقتصادی سالمندان را امکان‌پذیر سازد، در حالی که مانعی در جذب نیروی انسانی جوان ایجاد نشود. براساس تحقیقات دانشگاه «نیپهون»، انتظار می‌رود با افزایش میزان سلامتی و مهارت‌ها، سالمندان ژاپنی سالم‌تر، ثروتمندتر و آگاه‌تر از گذشته باشند (همان: 403).

نتیجه‌گیری

«سالمندی» نتیجه فرایند فرسایش سازوکارهای فیزیولوژیکی و ناتوانی در احیای توانمندی ارگان‌های حیاتی است که سرانجام به مرگ منتهی می‌شود. سالمندی به منزله یک پدیده جمعیتی در ابعاد مختلف مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

در بعد فردی، ضمن آن که فرد با ورود به 65 سالگی، دوران سالمندی را آغاز می‌کند و آثار آن را به تدریج نشان می‌دهد، اما تحت تأثیر عوامل اجتماعی محیط بر خود قرار دارد تا سالمندی را زود هنگام یا دیر هنگام تجربه کند. در عین حال، به کار بستن پاره‌ای اقدامات بهداشتی و اصلاح الگوهای زندگی می‌تواند به کنترل سالمندی زود هنگام بیانجامد.

در بعد اجتماعی، سالمندی از لحاظ سنی، نتیجه تغییرات ساختار سنی است. کاهش زاد و ولد و مرگ و میر در گروه‌های سنی میانی به بالا از عمده‌ترین عوامل جمعیت‌شناختی است که کاملاً به افزایش حجم جمعیت سالمند منجر می‌شود. این امر، مستلزم سیاست‌گذاری‌های راهبردی برای ارتقای کیفی زندگی اجتماعی است؛ همچنان که اقتصاددانان و جمعیت‌شناسان بر آن صحه می‌گذارند.

با تحولاتی که در کشورهای مختلف تا به حال صورت گرفته، تفاوت‌هایی را از نظر روند سالمندی بین کشورهای مرفه و در حال توسعه به وجود آورده است. در کشورهای گروه اول، سالمندی به حدی رسیده است که امروزه پدیده «بسیار سالمندی» که با شاخص «ارشدیت» شناخته می‌شود، در حال شکل‌گیری است. در حالی که در کشورهای گروه دوم نیز در آینده چنین پدیده‌ای قابل تصور است. از این رو با در نظر گرفتن شرایط اقتصادی - جمعیتی این گروه از کشورها، ابعاد آن تا حدی می‌تواند مورد بررسی قرار گیرد.

به این ترتیب «سالمندی» به منزله نتیجه تحولات جمعیتی و ساختار سنی، ابعاد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و روانشناختی می‌یابد که هر کدام موضوع بحث و بررسی‌های علمی و جداگانه‌ای است. بنابراین، برقراری سیستم‌های حمایتی در مقیاس‌های خرد و کلان به صورت یک ضرورت در تحولات اجتماعی در می‌آید. تقویت سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی که بتواند نیاز حال و آینده را پاسخگو باشد، از آن جمله است.

تجربه ژاپن با در نظر گرفتن شرایط اقتصادی آن کشور پس از پایان جنگ جهانی دوم و آغاز دوران بازسازی، حاکی از امکان‌پذیر بودن این تحولات اساسی است.

منابع

- بریان ل. میشارا و روبرت ج. رایدل. 1371. *روانشناسی بزرگسالان*. ترجمه دکتر حمزه گنجی. تهران: انتشارات اطلاعات.
- سیدمیرزایی، محمد. 1381. *جمعیت‌شناسی عمومی*. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- شریفی، مریم. 1381. *بررسی مسایل سالمندی در ایران و جهان*. تهران: نشر شهر.
- شعاعی، فاطمه. 1381. *بررسی مسایل سالمندی در ایران و جهان*. تهران: نشر شهر.
- علیخانی، ویدا. 1381. *پیری از دیدگاه‌های مختلف*. تهران: انجمن اولیاء و مربیان.
- Atchley. R.C. 2000. *Aging*. U.S.A.
- Duglas, H. & Timoiny. M. 1994. *Demography of Aging*. National Academy Press. Washington. D.C.
- Lorax, M. 2002. *La Population du monde*. INED.
- Mac kellar. 2003. *Vienna year book of population-research*. Vienna institute of demography.
- Mary. G Powers. 2003. *Encyclopedia of Population*. vol 2. Mcmillan reference. U.S.A. Thomson.
- Nahiro-ogawa. Genus. 2005.
- Noin. D. *La Transition Demographique*. Puf-1983.
- Teresa-seeman. 2001. *Population Health and Aging*. Edited by Maxine Weinstein, Hermalin and Stoto-The New York Academy of Sciences 2001.
- Thumerelle. J. *Vieillissement of longue vie, Espace, Populations, Societies*. No special 3.
- Weeks, J. R. 2002. *Population: An Introduction to Concepts and Issues*. 8th edition. Wadsworth: Thomson learning.
- World population data sheet 1980.